موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 20 از مراجعه 48

موضوع بحث روایت بیستم از مراجعه 48 است. در این مراجعه امام شرف الدین به درخواست شیخ سلیم، چهل روایت را به عنوان مویدات آیه شریفه ولایت نقل کرده است.

در این روایت از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «يا علي أنت سيّد في الدنيا، و سيّد في الآخرة، حبيبك حبيبي، و حبيبي حبيب اللّه، و عدوّك عدوّي، و عدوّي عدوّ اللّه، و الويل لمن أبغضك بعدي»[[1]](#footnote-1): ای علی، تو در دنیا و آخرت بزرگ و سید هستی. دوست تو دوست من و دوست من دوست خداست و دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداست. وای به حال کسی که پس از من بر تو خشم گیرد و بغض بورزد.

این روایت را حاکم نیشابوری در مستدرک[[2]](#footnote-2) نقل کرده و آن را صحیح و مطابق شرط شیخین دانسته است.

علامه در پاورقی می فرماید: « رواه من طريق أبي الأزهر (م 261) عن عبد الرزاق (م 211) (عالم شیعی و بسیار برجسته و از صد نفری است که مرحوم شرف الدین به عنوان راویان شیعی که در منابع اهل سنت از آنها روایت نقل شده، آورده است. ذهبی در المیزان از وی نام برده و تجلیل کرده است. ابن معین از وی بسیار روایت نقل کرده است) عن معمر عن الزهري عن عبيد اللّه بن عبد اللّه عن ابن عباس، و كل هؤلاء حجج، و لذا قال الحاكم بعد إيراده صحيح على شرط الشيخين، قال: و أبو الأزهر بإجماعهم ثقة، و إذا انفرد الثقة بحديث فهو على أصلهم صحيح؛ ثم قال: سمعت أبا عبد اللّه القرشي يقول: سمعت أحمد بن يحيى الحلواني يقول: لما ورد أبو الأزهر من صنعاء و ذاكر أهل بغداد بهذا الحديث، أنكره يحيى بن معين، فلما كان يوم مجلسه، قال في آخر المجلس: أين هذا الكذاب النيسابوري الذي يذكر عن عبد الرزاق هذا الحديث؟ فقام أبو الأزهر، فقال: هو ذا أنا؛ فضحك يحيى بن معين من قوله و قيامه في المجلس، فقرّبه و أدناه، ثم قال له: كيف حدثك عبد الرزاق بهذا و لم يحدث به غيرك، فقال: اعلم يا أبا زكريا أني قدمت صنعاء و عبد الرزاق غائب في قرية له بعيدة، فخرجت إليه و أنا عليل، فلما وصلت إليه سألني عن أمر خراسان فحدثته بها، و كتبت عنه و انصرفت معه إلى صنعاء، فلما ودعته، قال: قد وجب علي حقك، فأنا أحدثك بحديث لم يسمعه مني غيرك، فحدثني و اللّه بهذا الحديث لفظا، فصدقه يحيى بن معين و اعتذر إليه ... الخ.

أما الذهبي في التلخيص، فقد اعترف بوثاقة الرواة لهذا الحديث عامة و نص على وثاقة أبي الأزهر بالخصوص، و شكك مع ذلك في صحة الحديث إلّا أنه لم يأت بشي‏ء قادح سوى التحكم الفاضح، أما تكتم عبد الرزاق فإنما هو للخوف من سلطة الظالمين كما خاف سعيد بن جبير حين سأله مالك بن دينار، فقال له: من كان حامل راية رسول اللّه؟ قال: فنظر إليّ، و قال: كأنك رخي البال، قال مالك: فغضبت و شكوته إلى إخوانه من القرّاء فاعتذروا بأنه يخاف من الحجاج أن يقول كان حاملها علي بن أبي طالب، أخرج ذلك الحاكم في ص 137 من الجزء الثالث من المستدرك، ثم قال: هذا حديث صحيح الإسناد، و لم يخرجاه. (منه قدّس سرّه).

ذهبی در «میزان الاعتدال» نیز این حدیث را نقل کرده و در باره آن تشکیک کرده گفته است: «یشهد القلب بانه باطل»[[3]](#footnote-3). این سخن نادرست است و جای تامل دارد. عبارت وی در تلخیص مستدرک نیز درباره حدیث چنین است: «هذا و ان کان رواته ثقات و هو منکر». وی شاهد آن را کتمان داشتن آن توسط عبدالرزاق دانسته است. مرحوم شرف الدین در پاسخ به این مطلب می فرماید: وجه این کتمان خوف از ظلم ظالمین بوده است و لذا آن را برای همه نقل نمی کرده است.

درباره سند روایت

این حدیث از جهت سند مشکلی ندارد و همان طور که گفته شد هم حاکم نیشابوری آن را صحیح دانسته و هم ذهبی اعتراف کرده که راویان آن مورد وثوق هستند، فقط متن آن را دچار اشکال دانسته است.

ابومریم اعظمی از جهت سند و دلالت بر این روایات اشکالی گرفته است که بیان و ارزیابی آن انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، امام شرف الدین، ص 337 [↑](#footnote-ref-1)
2. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج3، ص 138، ح 4640 [↑](#footnote-ref-2)
3. میزان الاعتدال، ذهبی، ج1، ص 82 [↑](#footnote-ref-3)